

رقابتی شدن را حذف کنیم.

\* در همین چند روز اخیر دفتر مطالعات و توسعه رسانه های وزارت ارشاد اعلام کرد که رسانه اصلی کشور تلگرام است. این خبر را بگذاریم کنار کم رونقی و کاهش تیراژ مطبوعات. این را چطور تبیین می کنید؟

**خانیکی:** خیلی این خبر را نقطه عطف ارزیابی قرار ندهید. سوال این است که ما با افت مرجعیت مطبوعات مواجه هستیم و در این افت مرجعیت مطبوعات می گوئیم نقاط امید می مثل مطبوعات محلی وجود دارند یا این که یک بحران رسانه ای داریم که بحران مرجعیت مطبوعات بخشی از این بحران است نه این که نور افکن بیندازیم به یک بخش. معمولاً این مسئله با لحاظ کردن یک تحول فناوریانه بیشتر مطرح می شود و این که مطبوعات با یک رقیب تازه نفس به اسم شبکه های مجازی روبه روبرو شده اند و چون این شبکه ها دسترسی آسان و کنترل پذیری کمتری دارند در نتیجه اصلاً بگوئیم مطبوعات مرده اند. وقتی این مسئله را با جبر فناوریانه تحلیل می کنیم ضعف اساسی بیشتر پوشیده می ماند. به نظر من این موضوع منجر به مرگ مطبوعات نمی شود. هیچ رسانه ای رسانه دیگر را نابود نمی کند بلکه آن را متحول می کند. وقتی که تلویزیون آمد روزنامه از بین نرفت و وقتی شبکه های مجازی آمدند و تلفن همراه عمومی شد روزنامه نگاری از بین نرفت بلکه تحول ایجاد کرد. به نظر من شکل خیلی مهم نیست که حتماً از کیوسک روزنامه را بخرید یا در فضای مجازی به دست آورید. باید دنبال یک نظام رسانه ای باشیم که همه رسانه ها در یک نظام هماهنگ با هم باشند. نمی گوئیم دولت حضور نداشته باشد بلکه مهم این است که امکان رقابت بین رسانه های غیر دولتی با دولتی به وجود بیاید. می توانیم بگوئیم که در عالم مطبوعات با کاهش شدید شمارگان و تعطیلی مطبوعات مستقل مواجه هستیم اما این نتیجه یک بیماری بزرگ تر است نه عامل بیماری چرا که با کاهش شدید مخاطبان تلویزیونی هم مواجه هستیم و کسی نیست که در باره اجتماعی هم دچار مشکل هستیم و این موضوع رشد اخبار جعلی توضیح دهد در حالی که این موضوع محصول یک نوع آسیب دیدگی فضای سیاسی، اجتماعی و بی اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی است که باعث تولید خبر جعلی می شود. نباید به بخشی از رسانه ها نور افکن تاباند چون اگر این مسئله را به صورت به هم پیوسته ندانیم مطبوعات برای جبران شمارگان کم خود دست به اقداماتی می زنند که خود آن اقدامات بیماری را تشدید می کند و باعث وابستگی آن ها به منابع رسمی می شود و استقلال و نیروهای حرفه ای خود را از دست می دهند و مطبوعات تبدیل می شوند به نوع دیگری از گروه های فشار برای این که بتوانند مشکل خود را حل کنند. باید ببینیم بیماری قانونی و این کم خونی که این وضع را به وجود می آورد کجاست؟ از خود مطبوعات است یا جای بزرگ تری که به نظرم از جای بزرگ تری است.



**نمک دوست:** این که می گوئید درست است و ما آشکارا از سال ۲۰۰۵ با فرایندی روبه رو شدیم که مخاطبانی که طرفدار روزنامه کاغذی هستند کاهش می یابند و متقابلاً به مخاطبان فضای وب افزوده می شود. این مسئله خیلی هم نگران کننده بود و برخی روزنامه های معروف هم به دنبال نسخه آنلاین رفتند. این روند تا الان هم ادامه دارد اما شیب کم شده است. ما حتی کاهش تیراژ را در ژاپن که روزنامه خوان سنتی هستند می بینیم و حدود ۴ میلیون نسخه در ۱۰ سال اخیر کم شده در حالی که کل آمار تیراژ روزنامه های ما ۸۵۰ هزار نسخه است. این تب وجود دارد و رفته رفته از تیراژ روزنامه ها کاسته می شود. این کلیت را ناچار هستیم که بپذیریم اما رویکرد مهم این است که متوجه شویم دوران تک بعدی بودن رسانه ها به پایان رسیده و احتیاج به یک منظومه رسانه ای و بنگاه رسانه ای داریم. این که یک رسانه کاغذی داشته باشیم و تصور کنیم می توانیم بازار بزرگی را داشته باشیم دیگر جواب نمی دهد و باید مولتی مدیا شویم که یکی از بخش های آن روزنامه کاغذی است و این ها بتوانند با هم کار کنند و هم افزایی داشته باشند. البته همه نمی توانند چنین کاری کنند و باید توان و بضاعت این کار را داشته باشند. منتها نکته این است که به محض این که شما چند رسانه ای می شوید دیگر چیزی به اسم مشکل روزنامه ندارید و مشکل بنگاه چند رسانه ای دارید چون شما تغییر حالت داده اید. روزنامه یک گوشه ای از کار است. ممکن است برای این که منظومه من بچرخد روزنامه ای منتشر کنم که خود روزنامه سود ده نباشد. نباید این تفکر حاکم باشد که روزنامه ما را بچرخاند. در واقع همه در آن منظومه شریک اند و باید با هم کار کنند.



**نمک دوست:** روزنامه هایی مانند خراسان که ابتدا به صورت محلی منتشر شده اند ولی توانسته اند در سطح کشوری هم اثرگذار باشند، کم شمارند و این نشان می دهد که همچنان در مدار توسعه نیافتگی مطبوعات هستیم. وضعیت وخیم مطبوعات در ایران یکی از نشانه های بحران نظام رسانه ای کشور است که همه را درگیر خود کرده بنابراین الان فکر کرده بنابر این الان اشتباه می کنیم که فقط روزنامه ها دچار مشکل اند



عکس ها از عباسپور

پس به روزنامه احتیاج ندارد به نظر من همان جا اتفاقی که می افتد زوال همان موسسه است به این دلیل که آخرین خبر در کنار روزنامه خراسانی که هفتاد سال ادامه یافته معنا پیدا می کند. متأسفانه در برابر اخبار جعلی امروز اصلاً ممکن است منبع خبر درست پذیرفته نشود چون جامعه مخاطبان تمایل به اخبار منفی پیدا کرده و اخبار بدون مرجعیت رسمی، پس پدیده خبر جعلی بیش از آن که یک پدیده تکنیکی باشد سیاسی و اجتماعی است و الا از نظر من هیچ وقت بزرگی و سرعت و دقت فناوریانه رسانه عامل اصلی در تأثیر گذاری نشده است. در زمان انقلاب چرا نوار کاست در برابر رادیو - تلویزیون فراگیر موفق شد مگر غیر از این بود که به نوار کاست اعتماد بود اما این موضوع در خصوص رادیو - تلویزیون رسمی وجود نداشت. در این جا باید ببینیم که مسئله اصلی اثر بخشی است نه بزرگ بودن و فراگیر بودن. چون اگر جریان چندمرحله ای پیام را قبول داشته باشید، می توانید با تیراژ کم ولی با درست انتخاب کردن مخاطبان اثر گذار باشید. من می گویم اگر دنبال امید برای روزنامه خراسان هستیم من آن امید را برای خراسان و روزنامه های محلی دارم که اگر درست شناخته و سرمایه گذاری شود در اثر بخشی و مرجعیت خبری اثر مثبت دارد. اثری که در گذشته در شکل دادن اجتماعات کوچک مثل قهوه خانه یا یک هیئت داشته همان رایک گروه یا کانال تلگرامی ایجاد می کند و مهم این است که آن ها در آن جا به هم اعتماد دارند. نمی دانم روزنامه خراسان این تحقیق را داشته که از زمان سراسری شدن چقدر این سراسری شدن مبتنی است بر خراسانی های سراسر ایران. فکر می کنم این پیشنهاد خوبی باشد که تمایزهای خراسانی بودن را در روزنامه خراسان دنبال کنید. به این باید توجه کنید که این روزنامه سراسری خراسان چه تفاوتی با دیگر روزنامه ها دارد؟ خراسانی بودن چه تفاوتی دارد؟ مثلاً یکی از متفکران خراسانی می گفت یکی از ویژگی های خراسان این است که نقش زیادی در زبان فارسی داشته در نتیجه این صبغه زبانی باید خیلی پررنگ در روزنامه خراسان منعکس شود و به غنای زبان فارسی کمک کند. نکته دیگر این که این مرجعیت با هم از دست می رود و با هم به دست می آید. همیشه یک منازعه پنهان بین بخش آگهی و تحریریه وجود دارد که کدام مهم تر است در حالی که اگر این نگاه باشد که این دو لازم و ملزوم هم هستند نگاه درستی است. الان هم اگر آخرین خبر پیشروی می کند نباید آخرین خبر فکر کند روزنامه خراسان را اداره می کند باید فکر کند که اعتبار فرهنگی خراسان است که او را جلو می برد. ترجمه اعتبار فرهنگی و اعتبار اقتصادی در کنار هم است که می تواند کار کند. این مهم است که سرمایه های فرهنگی و اجتماعی و نمادین می تواند مشکلات روزنامه را حل کند البته اگر درست به کار گرفته شوند.

**نمک دوست:** در باره این که گفته شده تلگرام رسانه اصلی است چند نکته عرض کنم. اولاً این که اصولاً تلگرام رسانه است یا یک پیام رسان؟ در حالی که تلفن همراه رسانه اصلی است. خود تلگرام هم تولید کننده پیام نیست. از طرفی این که شما فراگیری بیشتری دارید نشان می دهد که رسانه اصلی هستید؟ خبر این گونه نیست. کما این که تلویزیون با وجود گسترده ترین بودن مهم ترین نبوده است. بنابر این چنین اظهاراتی بسیار غیر دقیق است.



\* اما به هر حال باید پذیرفت که اقبال به خود کاغذ کم شده است. منظور من فقط در ایران که در سایر کشورهای صاحب مطبوعات هم با مسئله افت تیراژ مواجه هستیم؛ به این معنا که اساساً سلیقه و ذائقه مخاطب به کاغذ تغییر پیدا کرده است.



\* یکی از بحران های اصلی امروز فضای رسانه ای ما، پدیده «فیک نیوز» هاست. متأسفانه متأثر از رفتار حاکمیت با مطبوعات و رسانه های مستقل و حرفه ای، آن ها کار کرد و اعتبار خود را از دست داده اند و همین زمینه را برای رشد اخبار جعلی مناسب کرده است. به نظر شما این شیوع ویرانگر فیک نیوز ها می تواند سبب شود دوباره رسانه های اصلی خود را باز تعریف و باز سازی کنند و قدرت و اعتبار دوباره یابند؟

**خانیکی:** کار کرد رسانه ها فقط این نیست که آن ها را در اخبار یا اقتصاد یا سیاست یا ... ببینید. منظومه و مجموعه دیدن این است که تکترو تفاوت آن ها را بپذیریم. در یک جایی با پاسداشت یک خط فرهنگی سرمایه اجتماعی را خلق می کند. اگر موسسه خراسان دید در آمدش از آخرین خبر زیاد می شود